

نظری جدید دربارهٔ اطناب و بررسی عملی این نظر در داستان رستم و اسفندیار

(ص ۱۳۳ - ۱۲۱)

داریوش ذوالفقاری (نویسنده مسئول)، نرگس محمدی بدر^۱، حسین یزدانی^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱/۹۰
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

اطناب یکی از رایجترین صنایع ادبی است که در علم معانی مطرح میشود و مانند شگردهای دیگر بلاغی دارای معنی ضمنی است. مسألهٔ اصلی مقاله این است که علی‌رغم آنچه در کتابهای معانی آمده است «معنی ضمنی اطناب» با «شیوه‌های اطناب» متفاوت است و آنچه باعث زیبایی و تأثیرگذاری اطناب بر خواننده میشود شیوهٔ بیان آن نیست بلکه معنای ضمنی آن است. نگارنده که اعتقاد دارد اصول علم معانی را باید از شاهکارهای ادبیات استنباط کرد، برای توضیح این مسأله، سبک اطناب و معنی ضمنی آن را در داستان رستم و اسفندیار از شاهنامهٔ فردوسی بررسی نموده و به این نتیجه رسیده است که همهٔ موارد اطناب در این داستان دارای معنی ضمنی هستند و این معنی ضمنی که دلیل هنری بودن اطناب فردوسی است در اثرگذاری داستان رستم و اسفندیار بسیار کارساز بوده است و بسامد این شگرد بلاغی به میزانی است که از ویژگیهای سبکی شاهنامه نیز به شمار می‌آید.

کلمات کلیدی

اطناب، رستم و اسفندیار، سبک‌شناسی، شاهنامهٔ فردوسی، علم معانی، معنی ضمنی

۱. دکترای ادبیات فارسی و عضو پژوهشگاه میراث فرهنگی (نویسندهٔ مسئول) zolfaghary1185@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه پیام نور
۳. استادیار دانشگاه پیام نور

مقدمه

در کتابهای معانی موجود از «شیوه‌های اطناب» به عنوان «مقاصد اطناب» یاد شده است که خالی از اشکال نیست؛ «ایضاح پس از ابهام»، «ذکر خاص پس از عام»، «تکرار»، «اعتراض» و «تکمیل یا تممیم» همگی روشها یا شیوه‌هائی هستند که با استفاده از آنها اطناب آفریده میشود و هیچکدام معنی و مقصد اطناب نیستند. برای روشنتر شدن ابهامی که وجود دارد کافی است به یکی از این کتابها (معانی و بیان علوی مقدم) که اتفاقاً از علمیت‌ترین آنها نیز به شمار می‌آید مراجعه شود؛ علوی مقدم با اینکه موارد یاد شده را ذیل عنوان «مقاصد اطناب» توضیح داده است خود در توضیح دو مورد از آنها «قصد» اطناب را چیز دیگری میداند، ایشان در توضیح «تکرار» و «اعتراض» قصد اولی را تأکید و قصد دومی را دعا، نفرین یا شرح و توضیح مطلب میداند. (معانی و بیان، علوی مقدم، ص: ۸۳-۸۲) در این مقاله به این نکته توجه شده و به نظر نگارنده «معنی ضمنی»^۱ با «شیوه‌های اطناب» متفاوت است و لازم است در تحلیل بلاغی متون ادبی مرز آنها مشخص باشد.

داستان رستم و اسفندیار از شاهنامه فردوسی که در آن پایداری قهرمانان به اوج میرسد از زبان توانای فردوسی، با اطنابی هنری بیان شده است؛ در این نوشتار سعی میشود درباره «معنی ضمنی» و بسامد این اطناب بحث شود. تاکنون درباره این داستان کتابها و مقالات فراوانی نوشته شده ولی در هیچکدام از آنها بطور مستقل به بررسی سبک بلاغی آن بویژه از دیدگاه «علم معانی نحو» پرداخته نشده است؛ این بحث از عهده مقاله حاضر نیز خارج است و در اینجا فقط از سبک اطناب و معنی ضمنی آن در این داستان سخن به میان می‌آید. برای پرهیز از افزایش حجم مقاله از نقل ابیات شاهد در مواردی که تعداد آنها بیشتر از ۵ بیت است پرهیز شده و به نشانی آنها در شاهنامه چاپ خالقی مطلق ارجاع داده شده است.^۲ نشانی ابیاتی که مورد نظر بوده بر اساس همین کتاب و قبل از توضیح هر مورد، ذیل شماره ۲ ذکر شده است.

۱- معنی ضمنی اطناب

در کتابهای معانی پس از اینکه جملات به خبری و انشایی تقسیم میشوند انواع معانی ضمنی هر یک بیان میشود و برای جملات خبری، پرسشی، امری و نهی تعدادی معنی

۱. هرچند در کتابهای معانی از «معنی ضمنی» - که مخاطب به مقتضای حال از سخن دریافت میکند- با تعابیر دیگری مانند: «معنی ثانویه»، «معنی اضافی»، «غرض ثانویه» و «مقصود ثانویه» یاد شده است، ولی بر اساس نظر برخی از زبان‌شناسان از جمله گرایس (منطق و مکالمه، گرایس، ص: ۴۱-۴۸) و لوینسون (کاربردشناسی، لوینسون، ص: ۱۰۸) به نظر میرسد «معنی ضمنی» جامعیت بیشتری داشته باشد، لذا در اینجا به جای تعابیر مشهورتر از این تعبیر استفاده میشود.

۲. تفاوت رسم الخط ابیات با رسم الخط متن مقاله به دلیل وفاداری به چاپ خالقی است که شواهد از آن نقل شده است.

ضمنی ذکر میشود. در این کار، رویهٔ واحدی وجود ندارد و اختلاف معانی ذکر شده در تعداد و نوع کاربرد زیاد است؛ به عنوان مثال در مورد معنی ضمنی جملات خبری، علوی مقدم پنج مورد برمی‌شمارد. (معانی و بیان، علوی مقدم، ص: ۳۲-۳۳)، شمیسا نه مورد. (معانی، شمیسا، ص: ۸۱-۸۴)، کزازی چهار مورد (زیبایی‌شناسی سخن پارسی معانی، کزازی، ص: ۵۰-۵۴)، رضائزاد (نوشین) سی و یک مورد. (اصول علم بلاغت، رضائزاد، ص: ۶۴-۷۰) و محمد خلیل رجایی پنج مورد. (معالم البلاغه، رجایی، ص: ۲۸-۲۹)؛ آنچه قابل توجه است این است که در این آثار علاوه بر اختلاف رویه‌ای که در تقسیم‌بندی موجود است معنی ضمنی اطناب با شیوه‌های آن مرز روشنی ندارد، در حالی که بهتر است در تحلیل بلاغی متونی که روشهای اطناب در آنها استفاده شده معنی ضمنی اطناب نیز کشف و دربارهٔ آن جداگانه بحث شود؛ مثلاً فردوسی که در توصیف رخس با تفصیل سخن می‌گوید حتماً منظوری دارد که پژوهشگر متون ادبی لازم است پس از اینکه تشخیص داد اطناب حکیم طوس در اینجا به «روش متمیم» است به «معنی ضمنی» آن نیز توجه کند:

یکی کره از پس به بالای او	سریں و برش هم به پهنای او
سیه چشم و افراشته گاودم	سیه خایه و تند و پولاد سم
تنش پر نگار از کران تا کران	چو داغ گل سرخ بر زعفران
همی رخس خوانیم و بور ابرش است	به رنگ آتشی و به خوی آتش است

آ (شاهنامهٔ خالقی، ج ۱، ابیات ۱۰۳-۹۹)

لوینسون در مورد اینکه اطناب حتی در زبان عادی نیز میتواند معنای ضمنی داشته باشد مینویسد: اگر به جای جمله (۱) از جمله (۲) استفاده کنیم منظوری داشته‌ایم: (۱) در را باز کن. (۲) به سوی در برو دستگیرهٔ آن را به سمت عقربه‌های ساعت بچرخان و سپس در را به سمت خودت بکش و آن را باز کن. (کاربردشناسی، لوینسون، ص: ۱۰۸)

۲- اطناب و معنی ضمنی آن در داستان رستم و اسفندیار

در داستان رستم و اسفندیار، بسامد اطناب از سایر شگردهای بلاغی بسیار بیشتر است (نگ نمودار سبک بلاغی داستان رستم و اسفندیار در پایان مقاله)؛ در این داستان ۴۶۲ مورد اطناب در انواع مختلف تکرار، ذکر خاص پس از عام، ایضاح پس از ابهام، اعتراض و متمیم مشاهده میشود؛ همهٔ این اطنابها به مقتضای حال دارای معنی ضمنی هستند که در ادامه برای پرهیز از زیاد شدن حجم مقاله به‌طور تصادفی (randomly) فقط به ۴۶ مورد از آنها اشاره میشود:

۱۹-۴۱: گفتگوی اسفندیار با مادر، اطناب به شیوهٔ تمیم؛ معنی ضمنی: اهمیت فراوان قدرت و پادشاهی برای اسفندیار و تعلق خاطر بیش از حد گشتاسب به تاج و تخت.

۵۳-۶۰: تک‌گویی جاماسب با خود. جاماسب به مقتضای حال و موضوع بسیار مهمی که مطرح است نمیتواند پاسخ پرسشهای فراوان شاه را بدهد و با خود گفتگو میکند و موجب برآشفتگی شاه میشود. اطناب با شیوهٔ تمیم؛ معنی ضمنی: آگاهی جاماسب از بدطینتی گشتاسب و سرنوشت شوم اسفندیار.

۶۱-۶۴: بدو گفت شاه: ای پسندیده مرد
گر او چون زریب سپهبد بود
هلا زود بشتاب و با من بگوی
وُرا درجهان هوش بردست کیست؟
سَخُن گوی و از راه دانش مگرد!
مرا زیستن زین سپس بد بود!
کزین پرسشم تلخی آمد به روی!
کز آن درد ما را بباید گریست!

گشتاسب از جاماسب میپرسد: مرگ اسفندیار به دست چه کسی است؟ ولی این پرسش کوتاه به اقتضای حال (دورویی و دروغگویی) به تفصیل بیان شده است؛ دروغگویی شاه در مصرع دوم بیت ۶۳ نهفته است زیرا او میداند که فرزندش از میدان رستم جان سالم به در نخواهد برد؛ اطناب این مصرع از نوع اعتراض است. دورویی شاه در مصرع دوم بیت ۶۴ نهفته است، که اطناب آن هم از نوع اعتراض است.

۶۷-۷۰: به جاماسب گفت آنزمان شهریار
اگر من سر تخت شاهنشاهی
نبیند بر و بوم زاولستان،
شود ایمن از گردش روزگار؟
که این روز را خوارمایه مدار!
سپارم بدو تاج و گنج مهی،
ندانند کس او را به کاولستان،
بود اختر نیکش آموزگار؟

مصرع دوم بیت ۶۷ اطناب از نوع اعتراض است. بیت ۶۹ و مصرع دوم از بیت ۷۰، اطناب از نوع تمیم است. معنی ضمنی این اطنابها سیاهکاری گشتاسب در درستکار جلوه دادن خویش است.

۷۷-۸۱: نشست از بر تخت زر شهریار
همی بود پیشش پرستارفش
چو در پیش او انجمن شد سپاه
همه موبدان پیش شه بر رده،
پس اسفندیار آن یل تهمتَن
بشدد پیش او فرخ اسفندیار
پُراندیشه و دست کرده به گش
ز ناماوران و ز گُردان شاه،
وُ اسپهبدان پیش او صف زده،
سَخُن برگشاد اندر آن انجمن

اطناب به شیوهٔ تمیم؛ معنی ضمنی: شاعر با توصیف بارگاه گشتاسب و تشریفات بسیار زیاد آن، هنگامی که گروهی از نامداران، پهلوانان، موبدان و سپهداران در آنجا گرد آمده‌اند

به موقعیت شناسی و درایت اسفندیار اشاره دارد که در این فرصت مناسب، درد دل‌های خود را بیان میکند؛ بی‌گمان گواهی این جمع در پایان داستان به داوری درباره تقصیرکار واقعی، کمک میکند.

۸۲-۱۱۴: اسفندیار به پدر، اطناب به شیوهٔ تتمیم؛ معنی ضمنی: ناراحتی بسیار زیاد اسفندیار از بدعهدی پدر و بیان لیاقت‌های خود که از پدر برای پادشاهی صلاحیت بیشتری دارد. در این ابیات به طور خلاصه از حملهٔ ارجاسب تورانی به ایران و مقاومت اسفندیار در برابر او، زندانی شدن اسفندیار به سبب بدگویی گرزم، رفتن گشتاسب به سیستان و زابلستان و کشته شدن لهراسب به دست ارجاسب، آمدن جاماسب به زندان اسفندیار و رها کردن او و قول دادن که اگر بر ارجاسب پیروز شوی تخت شاهی از آن توست، رفتن اسفندیار به گنبدان‌دژ و گذشتن از هفتخان سخن به میان آمده است که میتوان آنها را «یجاز در اطناب» نامید.

۸۲-۱۶۲: گفتگوی اسفندیار با پدرش گشتاسب، اطناب به شیوهٔ تتمیم؛ معنی ضمنی: دل‌بستگی شدید آدمیزاد به قدرت و بحث و جدل فراوان برای به دست آوردن آن.

۱۱۵-۱۳۰: گشتاسب به اسفندیار، اطناب به شیوهٔ تتمیم؛ آخرین دامی که گشتاسب برای اسفندیار می‌گسترده این است که «برای به دست آوردن تاج و تخت باید رستم را دست بسته به دربار بیاورد» معنی ضمنی: فریبکاری گشتاسب. لحن پدری که در ضمن، شاهنشاه است و تاج و تخت خود را از جانش بیشتر دوست دارد و حرص آنچنان او را مغلوب کرده است که به هیچ‌روی نمیتواند دیگری را بر جای خود ببیند - هرچند این دیگری فرزند شایستهٔ او باشد- از این سخنان گشتاسب کاملاً هویدا است. این موضوع از پاسخی هم که در ادامه، اسفندیار به گشتاسب میدهد قابل استنباط است.

۱۶۹-۱۷۲: سُواری که باشد به نیروی پیل! به گفتار خوار آیدش رود نیل!
بدرَد جگرگاهِ دیو سپید! ز شمشیر او گم کند راه شیدا!
همان ماهِ هاماوران را بکشت: نیارست گفتن کس او را درشت!
به کین سیاوش از افراسیاب ز خون کرد گیتی چو دریای آب!

وصف قهرمانیها و دل‌وریهای رستم از زبان کتایون؛ اطناب از نوع تتمیم؛ معنی ضمنی: باز داشتن اسفندیار از رفتن به نبرد رستم (زیرا با شناختی که کتایون از رستم دارد مطمئن است اسفندیار در جنگ با او جان سالم به در نمیبرد).

۲۲۷-۲۹۰: اطناب از نوع تتمیم است برای مصرع دوم بیت ۲۲۶ که در آن شاعر، خود هم به این اطناب اشاره کرده است؛ معنی ضمنی: دل‌نگرانی و تردید اسفندیار از عاقبت

تصمیمی که علیرغم نصیحت‌های مادر و فالِ بدی که شتر پیشرو - با خوابیدن در دو راهی گنبدان دژ و زابل - به او داده اتخاذ کرده است.

۲۲۷-۲۳۳: اسفندیار به بهمن؛ اطناب از نوع تکرار جملات امری (۹ مورد)؛ معنی ضمنی: اهمیت پیام، فرستنده و گیرنده آن. مصرع دوم بیت ۲۳۲ اطناب از نوع اعتراض است. معنی ضمنی: اضطراب اسفندیار به دلیل مأموریت خطیری که به عهده گرفته است و در مصرع دوم این بیت میخواهد خودش را تسلی بدهد، به فرزندش بهمن میگوید: کار رستم را بر خود سخت مگیر این کار چندان هم مهم نیست. و حال آنکه اسفندیار تاکنون کاری مهمتر از این مأموریت نداشته است.

۲۳۴-۲۹۰: پیام اسفندیار که به بهمن سفارش میکند آن را به رستم برساند. اطناب به شیوهٔ تممیم؛ معنی ضمنی: اهمیت بسیار زیاد موضوع و نگرانی اسفندیار از آینده.

۲۳۴-۲۳۵: بگویش که هر کس که گردد بلند، جهاندار و از هر بدی بی‌گزند، ز دادار باید که دارد سپاس که اویست جاوید نیکی شناس!

مصرع دوم بیت ۲۳۵ اطناب از نوع تممیم. معنی ضمنی: «هر کس که بلند و جهاندار شود و از هر بدی در گزند بماند، باید از دادار سپاس داشته باشد». این معنی تعریض به رستم است: ای رستم تو علیرغم اینکه بلندمرتبه و جهاندار هستی و از هر بدی در گزند مانده‌ای از دادار سپاس نداری!

۳۴۵-۳۸۰: شرح دیدار رستم و بهمن؛ لب کلام این است که بهمن خود را به نزد رستم رساند و پیغام پدرش اسفندیار را به او گفت. ولی شاعر این مطلب را در ۳۵ بیت بیان کرده و بدون آنکه اطنابی ملال آور داشته باشد زیبایی و تأثیر داستان را چندین برابر نموده است. اطناب به شیوهٔ تممیم؛ معنی ضمنی: جوانمردی، مهمان‌نوازی، پاک‌باختگی و در یک کلام کاملاً «انسان بودن» رستم.

۳۸۲-۴۳۴: پاسخ رستم به اسفندیار؛ از بیت ۳۸۳-۴۳۴ اطناب از نوع تممیم است برای مصرع نخست بیت ۳۸۲؛ معنی ضمنی: ناراحتی فراوان رستم از درخواست اسفندیار.

۳۸۲-۳۸۶: ز من پاسخ این بر به اسفندیار که ای شیردل مهتر نامدار، هر آنکس که دارد روانش خرد
سَر مایه کارها بنگرد! چو مردی و پیروزی و خواسته
وُرا باشد و گنج آراسته، بزرگی و گردی و نامی بلند،
بنزدِ گرانمایگان ارجمند، - به گیتی بدینسان که اکنون توی -
نباید که دد سرِ بدخوی!

مصراع نخست بیت ۳۸۶ اطناب در اطناب؛ اطناب آن از نوع اعتراض. معنی ضمنی: این در خواست تو (اسفندیار) نشانگر بدخویی است و حال آنکه بدخویی و شرارت، زینده تو نیست زیرا تو مردانگی، پیروزی، گنجهای پرگوهر، مال، بزرگی، پهلوانی و نام بلند داری و همه تو را عزیز میدارند.

۴۶۴-۴۶۸: ز بهمن برآشفت اسفندیار
 ورا بر سر انجمن کرد خوار،
 بدو گفت کز مردم سرفراز
 نزیبد که با زن نشیند به راز،
 وگر کودکان را به کاری بزرگ
 فرستی، نباشد دلیر و سترگ!
 تو گردنکشان را کجا دیده یی
 که آواز روباه نشنیده یی!
 ز رستم همی پیل جنگی کنی!
 دل نامور انجمن بشکنی!

بیت ۴۶۵-۴۶۸ اطناب از نوع متمیم برای بیت ۴۶۴ است؛ معنی ضمنی: عدم ثبات شخصیتی اسفندیار زیرا قبلاً با صفاتی شایسته از بهمن یاد کرده است. (ابیات ۲۲۰-۲۲۱) ولی در این جا او را کودک و بزدل میداند.

۴۸۳-۴۸۷: خُنک شاه کو چون تو دارد پسرا!
 به بالا و فرت بنازد پدرا!
 خُنک شهر ایران که تخت ترا
 پرستند و بیدار بخت ترا!
 دژم بخت آنکس که با تو نبرد
 بجوید، ز تخت اندر آید به گرد!
 همه دشمنان از تو پر بیم بادا!
 دل بدسگالان به دو نیم بادا!
 همه ساله بخت تو پیروز بادا!
 شبان سیه بر تو نوروز بادا!

اطناب از نوع اعتراض؛ معنی ضمنی: محبت صادقانهٔ رستم به اسفندیار و تحریک احساسات او برای تجدید نظر در تصمیمی که دارد.

۴۹۵-۵۳۸: گفتگوی رستم و اسفندیار است آنجا که رستم اسفندیار را به مهمانی میخواند و او نمیپذیرد؛ اصل مطلب در این ۴۳ بیت این است: «رستم به اسفندیار میگوید: آرزوی من این است که به خانه‌ام بیایی. اسفندیار پاسخ میدهد: شاه به ما اجازهٔ درنگ نداده است تو بند بر پای نه تا به دربار برویم در آنجا گناه شاه را به او باز میگردانم. رستم دعوت خود را تکرار میکند و هر کاری را حاضر است بپذیرد بجز بند، اسفندیار به بهانه‌هایی دعوت رستم را نمیپذیرد و قول میدهد هنگام غذا خوردن او را به خوان خود بخواند.» شاعر به مقتضای حال، سخنان رستم و اسفندیار را با آب و تاب و اطناب بیان میکند؛ اطناب به شیوهٔ متمیم؛ رستم با تمام وجود میخواست است با مهمان کردن اسفندیار مهر خود را در دلش بکارد، وجدانش را بیدار سازد و او را از تصمیم خامی که گرفته است پشیمان کند، از سوی دیگر اسفندیار به دروغ میگوید شاه به ما اجازهٔ درنگ نداده است و شتاب دارد تا

هرچه زودتر رستم را به بند بکشد. لذا در بیت ۵۰۳ از حاشیه رفتن و ادامه تعارفات معمولی سر باز میزند و به اصل مطلب میپردازد. (ر.ک. بیت ۸۷۰)

۵۰۳-۵۱۳: در ۳ بیت نخست این قسمت اسفندیار با پرهیز از حاشیه رفتن، حرف دلش را میگوید و در ۸ بیت پس از آن میخواهد دل رستم را به دست بیاورد و او را با خود همراهی سازد؛ آمیختن ایجاز آن ۳ بیت با اطناب این ۸ بیت به طور ضمنی از خودسری و خودخواهی بی‌اندازه اسفندیار خبر میدهد. زیرا اسفندیار فقط زمانی حاضر است جهان را به دست جهان پهلوان بسپارد که تاج را از پدر گرفته و بر سر خود گذاشته باشد.

۵۸۲-۵۸۹: همه این قسمت اطناب از نوع متمیم است برای مصرع نخست بیت ۵۸۲؛ معنی ضمنی: شکوه و هیبت رستم در چشم سپاه اسفندیار و مخالفت آنها با مأموریت اسفندیار.

۵۹۱-۶۱۰: رستم به اسفندیار؛ اطناب به شیوه متمیم؛ معنی ضمنی: ناراحتی بسیار زیاد رستم از اینکه اسفندیار کسی را برای بردن او به مهمانی نفرستاده است.

۵۹۳-۶۱۰: از بیت ۵۹۴ تا ۶۱۰ اطناب از نوع ایضاح پس از ابهام است برای بیت ۵۹۳؛ معنی ضمنی: آزرده خاطر شدن رستم از رفتار اسفندیار.

۶۱۱-۶۱۷: اسفندیار به رستم؛ لحن ریشخند آمیز و دور از صداقت اسفندیار، از بیت ۶۱۳ تا ۶۱۷ اطناب از نوع متمیم است برای ۶۱۲، معنی ضمنی: دروغ بودن سخنان اسفندیار و کوشش عاجزانه او برای توجیه رفتاری که داشته است.

۶۴۶-۶۸۵: رستم به اسفندیار؛ به مقتضای حال، پاسخ رستم در مقابل توهینهایی که از اسفندیار شنیده از اطناب بیشتری برخوردار است. تا آن جا که شاعر از زبان رستم به این اطناب اشاره میکند، (ر.ک. بیت ۶۸۵) اطناب به شیوه متمیم؛ معنی ضمنی: تازه به دوران رسیده بودن اسفندیار، خود بینی و آگاهی نداشتن او از حقیقت کارها که شاعر به آن نیز اشاره کرده است. (همچنین ر.ک. ابیات ۶۸۳-۶۸۴)

۶۸۷-۷۲۷: اسفندیار به رستم؛ اسفندیار در ستودن نژاد و افتخارات خود به مقتضای حال از پادشاهان گذشته نام میبرد و از اینکه خود نماینده دین زردشتی است. اطناب به شیوه متمیم؛ معنی ضمنی اطناب سخنان اسفندیار همان است که در مصرع دوم بیت ۶۸۶ آمده است: برافروخته شدن اسفندیار از خشم و اندوه به دلیل شنیدن ستایشهای رستم از نژاد و دلاوریهای خود؛ از این اطناب بوی ضمنی حسادت نیز به مشام میرسد، گویا اسفندیار خود را تنها کسی میداند که توانسته است مانند رستم از ایران محافظت کند با این تفاوت

که برای خود برتریهایی نیز قائل است: شاهزاده بودن و گسترانندگی دین بهی. اسفندیار در پایان این قسمت، خود نیز به طولانی بودن سخنانش اعتراف میکند. (ر.ک. بیت ۷۲۷)

۷۲۹-۷۵۴: ابیات ۷۳۰ تا ۷۵۴ اطناب از نوع تتمیم است برای ۷۲۹، معنی ضمنی: بیدار کردن اسفندیار از خوابی که در آن تاج و تخت میبیند و بیرون آوردن او از سودایی که دیدهٔ انصافش را بسته است.

۸۱۹-۸۳۱: تک‌گویی رستم (رستم با خود می‌اندیشد)؛ شاعر از زبان و لحن پختهٔ رستم همهٔ بن‌بست‌هایی را که در داستان وجود دارد، نشان می‌دهد. ابیات ۸۲۰ تا ۸۳۱ اطناب از نوع تتمیم است برای بیت ۸۱۹، معنی ضمنی: چاره‌جویی دلسوزانه و نافرجام رستم. رستم پس از اینکه میبیند اسفندیار از تصمیم خود نخواهد گذشت و سر‌کارزار دارد و او را که دست به بند نمیدهد به نبرد میخواند، در اندیشه فرو میرود و همهٔ جوانب موضوع را بررسی میکند هیچکدام را نمیپسندد؛ این درگیری ذهنی رستم کمتر از درگیری تن به تن او با اسفندیار نیست؛ اوج پایداری رستم در صیانت از حیثیت و نام‌بلندی که دارد در اینجا کاملاً هویدا است.

۸۵۲-۸۶۸: اسفندیار به رستم با لحنی گردنکشانه و سرشار از غرور؛ اطناب به شیوهٔ تتمیم؛ معنی ضمنی: جریحه‌دار شدن غرور اسفندیار از اینکه رستم به درخواست او تن نداده است.

۹۰۱ - ۹۰۵: چو برگشت ازو با پشتون بگفت	که مردی و گُردی نشاید نهفت!
ندیدم بدین گونه اسپ و سوار	ندانم که چون خیزد از کارزار!
یکی زنده پیلست بر کوه کنگ	اگر با سلیح اندر آید به جنگ!
ز بالا همی بگذرد فرّ و زیب!	بترسم که فردا ببیند نشیب!
همی سوزد از مهرِ فرّش دلم!	ز فرمانِ دادار دل نگسالم!

۹۰۲ - ۹۰۵: اطناب از نوع تتمیم برای بیت ۹۰۱، معنی ضمنی: نگرانی اسفندیار از درگیری با رستم از یک سو و جلوه دادن عظمت و قدرت خود- که میخواهد با پهلوانی به عظمت رستم مبارزه کند- از سوی دیگر. **۹۰۲-۹۰۳:** اطناب از نوع تتمیم است برای بیت ۹۰۱، معنی ضمنی: عظمت رستم در چشم اسفندیار.

۹۰۹ - ۹۱۴: اطناب از نوع تتمیم، معنی ضمنی: اصرار پشتون در منصرف کردن اسفندیار از تصمیمی که دارد.

۹۵۳-۹۶۰: اطناب از نوع تکرار (۹ جملهٔ امری + ۱ جملهٔ نهی)، معنی ضمنی: اهمیت بسیار زیاد رستم برای زال.

۱۰۱۹-۱۰۲۰: چو جوشن بپوشید پَرخاشجوی ز زور و زِشادی که بود اندراوی،
 نهاد آن بُن نیزه را بر زَمین ز خاکِ سیاه اندر آمد به زین،
 مصرع دوم بیت ۱۰۱۹ اطناب از نوع اعتراض، معنی ضمنی: محبت شاعر به اسفندیار
 (هرچند فردوسی در سراسر داستان کوشیده است که تعادل را در جانبداری از رستم و
 اسفندیار حفظ کند و همین موضوع خود، یکی از دلایل کشش و اثرگذاری داستان است.)
 ۱۰۲۹-۱۰۳۰: چو نزدیک گشتند پیر و جوان، دو شیرِ سرافراز، دو پهلوان،
 خروش آمد از بارهٔ هردو مرد تو گفتی بدریید دشتِ نبرد!

مصرع دوم هر دو بیت اطناب از نوع متمیم، معنی ضمنی: بیطرفی شاعر (با توجه به
 صفت‌های برابری که برای رستم و اسفندیار به کار میبرد.)

۱۰۵۱-۱۰۶۲: توصیف نخستین نبرد تن به تن رستم و اسفندیار؛ اطناب از نوع متمیم
 برای بیت ۱۰۵۰، معنی ضمنی: برابری زور دو پهلوان. شاعر به مقتضای حال این برابری،
 برای هر دو مبارز، صفت‌های یکسان به کار میبرد: سران (دوبار)، شیران جنگ، شیر و مردان.
 ۱۱۶۷-۱۱۶۸: ببندم همه خستگیهای خویش، بخوانم کسی را که دارم به پیش،
 زواره، فرامررز و دستانِ سام، کسی را ز خویشان که دارند نام،
 مصرع نخست بیت ۱۱۶۸ اطناب از نوع ذکر خاص پس از عام برای مصرع دوم بیت
 ۱۱۶۷؛ مصرع دوم بیت ۱۱۶۸ اطناب از نوع متمیم. معنی ضمنی: رستم برای التیام یافتن
 زخمها و دردهایی که دارد نام عزیزانش را به زبان می‌آورد.

۱۲۷۸-۱۲۷۹: بپرهیزی از وی نباشد شگفت ترا از من اندازه باید گرفت،
 که آن جفتِ من مرغِ بادستگاه به دستان و شمشیر کردش تباه!
 بیت ۱۲۷۹ اطناب از نوع ایضاح پس از ابهام برای مصرع دوم بیت ۱۲۷۸، معنی ضمنی:
 تهوّر و قدرت بسیار زیاد اسفندیار. اشاره به نبرد اسفندیار در خان پنجم داستان هفتخان
 اسفندیار «ایجاز در اطناب» است. (ر.ک. شاهنامهٔ خالقی، ج ۵ بیت ۲۴۱-۲۴۹)

۱۳۲۸: پشوتن بدو گفت- با آب چشم- که با دشمنت باد تیمار و خشم!
 «با آب چشم» اطناب از نوع اعتراض، معنی ضمنی: پشوتن نزدیک بودن فاجعه را حس
 میکند ولی در برابر برادر خودرأی، کاری از او ساخته نیست.

۱۳۳۷-۱۳۵۰: اطناب با شیوهٔ متمیم؛ معنی ضمنی: اصرار ملتمسانهٔ رستم برای
 منصرف کردن اسفندیار از تصمیمی که دارد. (این قسمت از داستان مثل موارد دیگری که

رستم در برابر اسفندیار لابه میکند و میخواهد با او همراهی کند منتها «بی‌بند»، نمیگذارد که خواننده در پایان داستان فقط جانب یکی از این دو قهرمان بزرگ را بگیرد.

۱۳۴۱-۱۳۴۴: به دادار زردشت و دین بهی، به نَوش آذر و آذرِ فَرّه‌ی،
به خورشید و ماه و به اُستا و زَند که دل را بتابی ز راهِ گزَنَد!
نگیری به یاد آن سَخُن‌ها که رفت و گَر پوست بر تن کسی را بگفت!
بیایی ببینی یکی خانِ من رونده ست کامِ تو بر جانِ من!

بیت ۱۳۴۱ و مصرع نخست بیت ۱۳۴۲ اطناب از نوع اعتراض است برای مصرع دوم بیت ۱۳۴۲ و مصرع نخست بیت‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴، معنی ضمنی: خواهش صادقانهٔ رستم. (رستم به مقتضای حال و با شناختی که از خواهش ناپذیری اسفندیار - در احتجاجاتی که قبل از این با او داشته - به دست آورده است در اینجا او را به مقدساتی که قبول دارد سوگند میدهد.)

۱۳۵۴-۱۳۶۵: اطناب با شیوهٔ تممیم؛ معنی ضمنی: اصرارِ ملتسانه و فراوان رستم برای آنکه اسفندیار را از بیداد منصرف کند. (رستم که با ترفندِ جنگی، اسفندیار را فریب داده و برای مهلت گرفتن از او به دروغ وعده داده است که دست به بند خواهد داد، از آنجا که «پذیرفتن بند» را ننگ جاودانی میدانند، به سفارش سیمرغ با اسفندیار اتمام حجت میکند و به اطناب با لابه و وعده‌های مختلف میخواهد دل او را با خود همراه کند.) در ابیات ۱۳۶۶-۱۳۶۹: اسفندیار با لحنی مغرورانه این سخنان طولانی رستم را بیجا میدانند و در عمل با پاسخی کوتاه نشان میدهد که رستم یا باید دست به بند بدهد و یا بجنگد و هیچ راه دیگری ندارد!

۱۳۸۱: تهمتن گز اندر کمان راند زود برانسان که سیمرغ فرموده بود،
مصرع دوم اطناب از نوع اعتراض، معنی ضمنی: شاعر با اشاره به نقش اساسی سیمرغ قصد دارد از بارِ گناه رستم بکاهد.

۱۶۶۹-۱۶۷۱: سرآمد همه کارِ اسفندیار که جاوید بادا سرِ شهریار!
همیشه دل از رنج پرداخته! زمانه به فرمان او ساخته!
دلش باد شادان و تاجش بلند! به گردن بداندیش او را کمنَد!

۱۶۷۰-۱۶۷۱ اطناب از نوع تممیم است برای مصرع دوم بیت ۱۶۶۹، معنی ضمنی: آرزوهای شاعر برای سلطان محمود غزنوی که امور مهمی را برای او به صورت همیشگی خواستار است، تلویحاً گویای این حقیقت است که روزگار، چنین طبیعتی ندارد و دولتِ مادی هیچ کس در آن جاودانه نیست.

نتیجه

علیرغم آنچه که در کتابهای معانی آمده است «معنی ضمنی اطناب» با «شیوه‌های اطناب» متفاوت است. در این مقاله با بررسی داستان رستم و اسفندیار از این نظر نتایج زیر حاصل شد:

۱- در داستان رستم و اسفندیار، ۴۶۲ مورد اطناب با شیوه‌های مختلف تکرار، ذکر خاص پس از عام، ایضاح پس از ابهام، اعتراض و متمیم مشاهده میشود که همه آنها به مقتضای حال دارای معنی ضمنی هستند و زیبایی اطناب از همان معنای ضمنی برمیخیزد و نه از شیوه اطناب.

۲- اطنابهای این داستان نه تنها ملال‌آور نیست که همگی اثرگذارند و میزان تأثیر داستان را بر مخاطب افزوده‌اند تا آنجا که میتوان یکی از ابزارهای عمده شاعر را در فرابردن زبان داستان از زبان هنجار و معمولی به زبان ادبی، همین شگرد دانست.

۳- اگر جامعه آماری این مقاله که داستان رستم و اسفندیار (۱۶۷۲ بیت) است نسبت به همه شاهنامه پذیرفتنی باشد بر اساس بسامد زیادی که اطناب در این داستان دارد میتوان گفت کاربرد این شگرد در شاهنامه نسبت به سایر شگردهای بلاغی از بسامد بیشتری برخوردار است.

۴- هنر فاخر حکیم طوس در ایجاد اطناب به شیوه‌های مختلف و با معانی ضمنی متنوع مانند دیگر تواناییهای بلاغی او در اینجا نیز جلوه‌گری میکند و پژوهشگر علم بلاغت را در برابر خود به تعظیم وامیدارد.

منابع

۱. بلاغت و گفتگوی با متن، پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۰)، ش ۳۲، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
۲. در سایه آفتاب؛ شعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی، پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۰)، تهران: سخن.
۳. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تحلیلی از داستانهای عرفانی - فلسفی ابن سینا و سهروردی، پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵)، چ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
۴. سفر در مه تأملی در شعر احمد شاملو پورنامداریان تقی (۱۳۷۴) تهران: انتشارات زمستان.
۵. گمشده لب دریا، تأملی در معنی و صورت شعر حافظ، پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۲)، تهران: سخن.

۶. شاهنامه کهن: پارسی تاریخ غرر السیر، ثعالبی مرغنی، حسین بن محمد، (۱۳۷۲)، پارسی گردان محمد روحانی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۷. معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، رجایی، محمد خلیل، (۱۳۷۹)، شیراز: دانشگاه شیراز.
۸. علم معانی و نظریه گرایس ص ۳۰۳ - ۳۲۳، در (میر عمادی به کوشش) مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی، رحمانی، اشرف و کورش طارمی، (۱۳۷۹)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. حماسهٔ رستم و اسفندیار، توضیح و گزارش، رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات جامی.
۱۰. اصول علم بلاغت در زبان فارسی، رضائزاد (نوشین)، غلامحسین، (۱۳۶۷)، تهران: انتشارات الزهرا.
۱۱. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۹)، چ ششم، تهران: آگه .
۱۲. معانی، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، چاپ نخست از ویرایش دوم، تهران: میترا.
۱۳. از زبانشناسی به ادبیات، جلد اول: نظم، صفوی، کورش، (۱۳۸۳)، تهران: سورهٔ مهر.
۱۴. معانی و بیان، علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده، (۱۳۸۷)، چ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۵. زبانشناسی و نقد ادبی، فالر، راجر و دیگران، (۱۳۶۹)، ترجمهٔ مریم خوزان و حسین پاینده، تهران: نشر نی.
۱۶. شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۸)، به کوشش جلال خالقی مطلق، ۸ جلد، چ دوم، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی: تهران.
۱۷. زیباشناسی سخن پارسی معانی، کزازی، میر جلال الدین، (۱۳۷۴)، چ چهارم، تهران: مرکز .

Logic and conversation in P. Cole & J.L. Morgan (Eds.), *syntax and semantics: vol.3. speech acts* Grice, H.P. (pp. 41-48). (۱۹۷۵). New York: Academic press.

۱۹

pragmatics, Levinson, Stephen C. (1983) New York, London: Cambridge university press.
